

## تأثیر روانشناسی جنایی در حوزه مسئولیت کیفری

علیرضا خاکپور

دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی نراق، مرکزی، ایران

---

### چکیده

تشکیل پرونده شخصیت یکی از دستاوردهای جرم‌شناسی نوین در حقوق کیفری در راستای کمک به بازاجتماعی شدن مجرم است که در قوانین کیفری جدید نیز نمود پیدا کرده است. به بیان دیگر برای اتخاذ کیفر منصفانه، مطالعه شخصیت مجرم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و این شخصیت به تناسب تفاوت در روان، جسم و محیط پیرامون هر فرد متفاوت است لذا ضرورت تشکیل پرونده شخصیت بزهکار در امور کیفری از ضروریات یک دادرسی عادلانه کیفری است و به قاضی اجازه می‌دهد تا با توجه به شخصیت مجرمانه جهت کمک به بازاجتماعی شدن و یا مجازات‌های تکمیلی، وی را در این امر کمک کند. بدین سان قضات و دیگر دست‌اندرکاران نظام قضایی می‌توانند با تشکیل پرونده شخصیت به تحقق اهداف نظام کیفری و عدالت ترمیمی که همانا تحقق عدالت و صلح اجتماعی و بازپذیری بزهکار است کمک نمایند.

**واژه‌های کلیدی:** پرونده شخصیت، روانشناسی جنایی، مسئولیت کیفری

---

**-مقدمه**

جهان امروز فاقد نظم و تعادل دقیق در زیست فردی و اجتماعی است چنانچه انسان امروز نیز از عدم تعادل جسمی و روانی رنج می‌برد و از تعادل شخصیتی برخوردار نیست و هم اکنون بشر از این بابت غرامت سنگینی می‌پردازد. اثر این نابسامانی و عدم تعادل به شکل‌های گوناگونی در فرد و جامعه و به صورت بیماری‌های روحی و روانی از سویی و جرایم مختلف از سوی دیگر خود را نشان می‌دهد. هزینه‌های بسیاری که جامعه، سالیانه به منظور جلوگیری از جرایم و جنایات و یا تعقیب مجرمان و محکومیت و کیفر آن‌ها صرف می‌کند و یا برای درمان افسردگی‌ها، اضطراب‌ها و دیگر بیماری‌های روحی و روانی پرداخته می‌شود، رقم سرسام‌آوری را تشکیل می‌دهد؛ افزون بر آن، جامعه انسانی را از هدف اصلی دور کرده و موجب می‌شود تا فرد و جامعه از محیط سالم برخوردار نبوده و در سیر کمال خویش با بحران‌های متعددی مواجه شود. پرخاشگری، بی‌اعتنایی در روابط انسانی، بی‌حسی روزافزون وجدان‌های اخلاقی، قساوت و انواع صفات رذیله و بزهکاری که به شکل‌های مختلف از فرد بروز می‌کند نیازمند درمان است.

پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم‌شناسی است که از مجموعه اطلاعات شخصی و خانوادگی مجرمان در دستگاه قضایی تشکیل می‌شود و هدف آن دستیابی به اهداف مجازات‌ها و به‌علاوه، فردی کردن تطبیق اعمال مجازات بر شخصیت فرد است. عوامل مهمی مانند جنس، حسن سابقه، سوء سابقه، سابقه محکومیت کیفری، وضعیت جسمانی، روانی، اقتصادی، خانوادگی، اجتماعی و ... از مؤلفه‌های لازم برای تشکیل آن به حساب می‌آیند. با توجه به قانون مجازات اسلامی تازه تصویب و روی آوردن آن به دستاوردهای نوین جرم‌شناختی، به نظر می‌رسد قانونگذار به صورت تلویحی لزوم تشکیل پرونده شخصیت را پذیرفته است و صرفاً دلیل عدم الزام رسمی دادگاه‌ها به تشکیل آن را جلوگیری از تحجیم کار در مراجع قضایی می‌توان جست‌وجو کرد، هر چند دلیل مذکور از قبل بوده و باید دادگاه‌ها ملزم به تشکیل این پرونده می‌شدند ولی قانونگذار از الزامی کردن آن خودداری کرده است. مبارزه با بزهکاران صرفاً با استفاده از ابزار کیفری، موفق نیست برای این منظور باید با روش‌هایی که به نوعی در بازاجتماعی کردن بزهکاران و اصلاح شیوه تفکر و اندیشه آن‌ها از یک طرف و افزایش کارآیی و مهارت‌های زندگی آنان از طرف دیگر تکیه دارند تأکید ورزید.

**مبانی نظری****-بزه و بزهکار**

بزه یا بزهکاری یک پدیده اجتماعی است که در محیط‌های مختلف به شکل‌های متفاوتی مشاهده می‌شود. شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارهای جامعه را بزهکاری تعریف کرده‌اند. از دیدگاه روانکاوی، بزهکار کسی است که نیروهای غریزی در وجود او به خوبی اداره نشده است و ذهن آگاه فرد به خوبی بر نیروهای غریزی نظارت ندارد بنابراین چنانچه ذهن آگاه نتواند راهی برای خروج نیروهای غریزی پیدا کند که مورد قبول جامعه باشد، فرد دست به رفتارهایی برخلاف هنجارهای اجتماعی می‌زند و یا میان دو دسته از فشارهای درونی و بیرونی قرار گرفته و دچار بزهکاری می‌شود.

تعریف بزه و رفتار بزهکارانه در هر جامعه‌ای توسط قوانین حقوقی و هنجارهای اجتماعی آن جامعه مشخص می‌شود. باید اذعان داشت که قرن‌هاست رفتارهای قتل، دزدی، تخریب، نزاع، کلاهبرداری، تجاوز، آتش افروزی و ... به‌عنوان رفتار بزهکارانه پذیرفته شده است و همه جوامع برای آن تعریف مشخصی دارند. تنها تفاوت مشهود، نوع و میزان تنبیهی است که براساس قوانین حقوقی آن جامعه تعیین می‌شود.

البته بزه براساس ارزش‌ها و تعیین ارزش‌ها یا برحسب زمان و مکان تعریف می‌شود و با درنظر گرفتن رویکردهای مختلف درموضوع بزهکاری و تعریف حقوق معلوم می‌شود که بزه ازدیدگاه حقوقی، جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی متفاوت است (اصغری، ۱۳۸۷، ۱۸).

### -اقسام بزهکاری

بزهکاران را از لحاظ مطالعات اجتماعی و از نظر عرف و قانون برحسب نوع کاری که انجام می‌دهند می‌توان به سه گونه زیر تقسیم کرد:

۱- بزهکاری بر علیه اشخاص عادی جامعه که زندگی عادی براساس فرهنگ و قانون برای خود انتخاب کرده‌اند مثل کشتن آن‌ها به عمد و یا غیرعمد، تهدید آن‌ها به ضرب و حمله و تجاوز به عنف که تمام این اعمال از لحاظ قانونی، عرف و فرهنگ جامعه پذیر نیستند و کسی که مرتکب چنین اعمالی شود، بزهکار یا مجرم خوانده می‌شود.

۲- بزهکاری بر علیه دارایی و مالکیت دیگران مانند ورود به خانه کسی به قصد دزدی و بردن اموال منقول قیمتی، جعل اسناد و مدارک مربوط به مالکیت، دزدی اتومبیل و یا غارت کردن اموال دیگران؛ کسانی که مرتکب چنین اعمالی شوند مجرم یا بزهکار نامیده می‌شوند.

۳- بزهکاری بر علیه نظم عمومی و سلامت افراد جامعه مانند ارتکاب جرایمی از قبیل فحشا که نظام اجتماعی خانواده‌ها را برهم می‌زند و یا به عدم تشکیل خانواده منجر می‌شود یا مبادرت به قماربازی که حقوق دیگران را به مخاطره می‌اندازد و یا استعمال مواد مخدر که به نابودی نیروی انسانی سازنده اجتماع کمک می‌کند (نجفی توانا، ۱۳۸۲، ۶۸).

### -عوامل موثر بر وقوع بزه

بی‌شک یکی از عوامل مهم در وقوع بزه، محیط‌هایی است که بزهکار با آن‌ها سر و کار دارد و تحت تاثیر این محیط‌ها است که شخصیتش شکل می‌گیرد.

**الف- محیط فرهنگی:** منظور از محیط فرهنگی در جرم‌شناسی، کلیه جنبه‌های فرهنگی هر اجتماع اعم از آداب، رسوم، اخلاقیات، اعتقادات و نیز موسسات مربوط به تعلیم و تربیت و کلیه امور مربوط به آن‌هاست که به‌نحوی از انحاء، شخصیت افراد به‌ویژه اطفال و نوجوانان را تحت تاثیر قرار داده و عامل موثری در میزان بزهکاری آنان محسوب می‌شود.

**ب- محیط طبیعی:** منظور از محیط طبیعی، محیط خارجی است که انسان در آن زندگی می‌کند و می‌تواند به نحوی در بزهکاری افراد، موثر واقع شود. این عامل برای نخستین بار مورد توجه بقراط قرار گرفت؛ این دانشمند به پزشکان توصیه کرده بود که در وضع اقلیمی، فصول و باد و هوا بررسی کنند. قرن‌هاست بعضی از مکاتب کوشش کرده‌اند عوامل طبیعی رفتار مجرمانه را کشف و ارائه کنند؛ نتایج تحقیقات آنان حاکی است که آمار جرایم علیه اموال در ماه‌های زمستان بیش از فصول دیگر است و جرایم علیه اشخاص بیشتر در ماه‌های تابستان اتفاق می‌افتد. این عقاید در مورد بزهکاری اطفال و نوجوانان پذیرفته نیست چرا که جرایم برضد اموال بالاخص سرقت که رقم بزرگ بزهکاری را تشکیل می‌دهد ممکن است در کلیه فصول سال متفاوت باشد مثلاً جرایم جنسی، بیشتر در اواخر بهار و اوایل تابستان - خاتمه امتحانات و شروع تعطیلات - و جرایم بر ضد اشخاص با تشکیل باند، در تابستان، بیشتر از فصول دیگر ارتکاب می‌یابد.

**ج- محیط اقتصادی:** عامل دیگری که ممکن است در افراد موثر واقع شود عامل اقتصادی است که جرم‌شناسان توجه خاصی بدان مبذول داشتند و در اکثر نوشته‌ها از این عامل مطالبی به رشته تحریر درآورده‌اند بنابراین جرم‌شناسان در اصل موضوع که عامل اقتصادی در بزهکاری موثر است اتفاق نظر داشته و اگر اختلافی در پاره‌ای موارد به چشم می‌خورد از نحوه تاثیر

جنبه‌های مختلف این عامل قوی است. بدین صورت که گروهی تضاد طبقاتی و عدم توزیع عادلانه ثروت و دست‌های فقر و درماندگی و تهیدستی و برخی تمایل به ثروتمند شدن و تجمل‌پرستی و همچنین، گروهی، بیکاری و قرض و نیز عده‌ای نداشتن توانایی لازم برای برآوردن احتیاجات زندگی و بعضی نیز ترس از کسر شدن اموال و یا آنچه را که دارند و بالاخره عده‌ای حرص و طمع و گروهی بحران‌های اقتصادی و تورم و رشد و توسعه صنعت و نوسانات قیمت‌ها و نیز دست‌های گرسنگی و قحطی را مبنای بزهکاری دانسته و معتقدند این عوامل در بروز جرایم مختلف به‌ویژه جرایم مالی تاثیر غیرقابل انکاری دارد (باقری‌نژاد، ۲، ۱۳۸۶).

### - عوامل شخصیتی وقوع جرم از دیدگاه اسلام

از دیدگاه اسلامی، جرم، نافرمانی از اوامر و نواهی شارع مقدس بوده که مجازات دنیوی و یا اخروی به دنبال دارد. به‌طور کلی در این خصوص چهار رویکرد وجود دارد که دیدگاه نخست حکایت از آن داشته که آدمی موجودی است که ذاتا گرایش و تمایل به ارتکاب جرایم دارد و از این رو کنترل وی ضروری به نظر می‌رسد به این معنی که انسان به‌طور فطری لذت‌طلب بوده و برای هنجارمند ساختن وی لازم است از همان کودکی اهرم‌های کنترلی بر وی فعال و پویا عمل کند و در غیر این صورت مرتکب جرم خواهد شد. این نگاهی است که نظریات کنترل جرم بر آن تأکید دارند. گروهی دیگر بر نیک‌سیرت بودن انسان به شکل ذاتی تأکید و بر این عقیده‌اند که آدمی چنانچه در شرایط نامساعد تربیتی قرار بگیرد با آموختن آن اقدام به ارتکاب بزه خواهد کرد زیرا از سرشت خود منحرف شده است؛ دسته سوم در تبیین تمایلات انسان به ارتکاب بزه به خنثی بودن ضمیر وی اعتقاد دارند و او را در بدو تولد مانند لوحی سفید و نانوشته دانسته که نه گرایش به اعمال بد و نه گرایش به کارهای خوب داشته و آنچه بر ضمیر وی نقش می‌بندد متأثر از عوامل و شرایط پیرامونی اوست؛ برخی نظریات یادگیری‌های اجتماعی جرم در زمره این نحله فکری قرار می‌گیرند. بر این اساس، تقلید و هم‌نشینی با دیگران و الگو قرار دادن رفتار دیگران در شکل‌گیری شخصیت انسان نقش‌آفرینی می‌کند. در این راستا از قساوت قلب، تبعیت از هوای نفسانی، جهل و نادانی، سوءظن، کینه و حقد و حسد و تکبر به‌عنوان عوامل شخصیتی وقوع جرم یاد می‌شود.

### -انواع پیشگیری

#### - پیشگیری ابتدایی

پیشگیری ابتدایی عبارت از مجموعه وسایلی است که معطوف به تغییر شرایط جرم‌زای اطرافیان به‌طور کلی اعم از طبیعی و اجتماعی است. به عبارت دقیق‌تر، پیشگیری ابتدایی راهکارهایی است که از طریق زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی و دیگر زمینه‌های سیاست عمومی تلاش می‌کند. این حالت، به‌ویژه بر موقعیت جرم‌زا و علل ریشه‌ای ارتکاب جرم تأثیر می‌گذارد. هدف اصلی، ایجاد امیدوارکننده‌ترین شرایط برای زندگی است که شامل آموزش خانواده، ایجاد مسکن، استقلال و سرگرمی است باشد.

**ایجاد یک محیط سالم:** در پیشگیری اولیه به ریشه مساله و عوامل خطرزای محیطی توجه می‌شود. این نوع پیشگیری سعی بر آن دارد که امکان درگیر شدن با مساله طوری پیش برود که هرگز محلی برای رشد مسئله وجود نداشته باشد. به‌همین علت، استراتژی‌های برنامه ضرورت طوری انتخاب می‌شوند که بتوانند عوامل مخاطره‌آمیز را کاهش دهند. وضع قوانین که بعضی از محدودیت‌ها را ایجاد می‌کنند از آن جمله‌اند؛ برای مثال در جامعه‌ای که حمل اسلحه آزاد است، این آزادی خود یک عامل خطرزای امکان درگیر شدن با مساله بزه است بنابراین منع حمل اسلحه یکی از استراتژی‌ها در آن جامعه خواهد بود.

اگر چه تناقضاتی در بعضی از یافته‌های پژوهش در مورد کنترل بزه وجود دارد لیکن اکثر یافته‌ها بیانگر آنند که برنامه‌های پیشگیری مستقیماً تأثیر زیادی در کاهش رفتارهای بزهکارانه نداشته‌اند؛ در مقابل به پژوهش‌هایی نیز برمی‌خوریم که نشان داده‌اند مداخله اولیه جامعه و خانواده متفقاً در کنترل بزهکاری تأثیر دارند. عمده برنامه‌ریزی‌های این مداخلات براساس یافته‌هایی است که نشان می‌دهند عوامل خانوادگی مانند طلاق، مرگ والدین، کثرت اولاد، فقدان حمایت‌های روانی و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی فرزندان، بی‌انضباطی در خانواده، وجود فرد بزهکار یا ناسازگار اجتماعی، خیانت زن یا شوهر، اختلافات خانوادگی، طرد از خانواده، فقدان زمینه‌های تربیتی مناسب در خانواده و مسکن نامناسب از نظر فضای فیزیکی و فقر در تقویت و یا کنترل بزهکاری نقش دارند. عوامل اجتماعی مانند بی‌سوادی، رشد بی‌رویه جمعیت، صنعتی‌شدن، اختلافات طبقاتی، قوانین تحمیلی، بی‌عدالتی اجتماعی، بیکاری، جنگ، محیط اجتماعی نامناسب (زندگی در جوار بزهکاران)، فقدان امکانات تفریحی سالم و قابل دسترس همه طبقات جامعه، زاغه‌نشینی و زورمداری سیاسی در کنترل و رشد بزه مؤثرند. به همین جهت، استراتژی‌های مداخله‌ای خانواده‌گرا و جامعه‌گرا در پیشگیری نوع اول اهمیت پیدا می‌کنند. خلاصه اینکه در سطح اول پیشگیری، عمده مسئولیت بر عهده خانواده و جامعه است؛ بسیاری از دیدگاه‌های روانشناختی، سن مناسب برای سطح پیشگیری نوع اول را قبل از ۸ سالگی می‌دانند.

#### - پیشگیری ثانویه

معطوف به مداخله برای پیشگیری از لحاظ گروه‌ها یا جمعیت‌های در معرض خطر جرم است. این امر شامل شناخت زودهنگام شرایط جرم‌زا و نفوذهایی است که بر این شرایط اعمال می‌شود. برای این گروه‌ها می‌توان تدابیری خاص اندیشید.

**کاهش عوامل خطرزا:** در پیشگیری ثانویه، هدف کلی، دور نگه‌داشتن فرد از فعالیت‌هایی است که خطر برچسب بزه را در فرد تقویت می‌کند مثل کنترل خشم و خشونت، کنترل خانواده بر رفتارهای ضد اجتماعی و دوری از دوستان بزهکار. پیشگیری نوع دوم نیز مانند پیشگیری نوع اول، استراتژی‌های برنامه‌ریزی خود را براساس یافته‌های پژوهش‌ها طرح می‌کند و تأکید زیادی بر فرد و یا ارتباطات فرد دارد. به همین جهت استراتژی‌های پیشگیری نوع دوم از طریق یادگیری مهارت‌های زندگی اجتماعی و ارتباطات فردی از طرف دیگر تأکید می‌کند. اهمیت این سطح به‌عنوان سطح پیشگیری کمک به افراد در معرض خطر است.

#### - پیشگیری ثالث

معطوف به پیشگیری از تکرار جرم در خلال اقدامات فردی برای سازگاری مجدد اجتماعی یا خنثی کردن بزهکاران پیشین است. پیشگیری از تکرار جرم توسط پلیس و دیگر عوامل نظام عدالت کیفری انجام می‌شود؛ تدابیر مربوط از ضمانت اجرای قضایی رسمی تا بازپروری مجرم و زندانی کردن. در بسیاری از اوقات به‌دلیل محدودیت ضمانت اجرای مبتنی بر اصلاح و درمان، این نوع پیشگیری به تدابیر سرکوبگرانه تنزل پیدا می‌کند.

**کنترل موقعیت خطر:** پیشگیری سطح سوم سعی می‌کند موقعیت مساله را اصلاح و یا در آن مداخله کند و هدف آن پیشگیری از تکرار فعالیت‌هایی است که جرم شناخته می‌شود. برای این نوع پیشگیری لازم است درگیر مسائلی مانند تنبیه، جریمه و بازتوانی از طریق نظام حقوقی و قضا شود. پیشگیری نوع سوم، برنامه‌ریزی مداخله‌ای و اداره موقعیت‌های خطرناک را براساس فعالیت‌هایی تنظیم می‌کند که ممکن است باعث بزهکاری شوند.

اشخاص مسئول کسانی هستند که ضمن ارتکاب جرم، دارای قابلیت انتساب باشند و هیچ مانعی در تحمیل مسئولیت کیفری به آن‌ها وجود نداشته باشد. اشخاص غیرمسئول کسانی هستند که دارای شرایط و وضعیت روحی و روانی هستند که اعمال آنان ناشی از درک و اختیار کامل نیست.

### - مسئولیت کیفری

الزام شخص به پاسخ‌گویی در برابر تعرض به دیگران خواه به جهت حمایت از حقوق فردی انجام شود و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان مسئولیت کیفری یا مسئولیت جزایی مطرح می‌شود. به هر حال مسئولیت کیفری نوعی الزام شخصی به پاسخ‌گویی آثار و نتایج نامطلوب پدیده جزایی یا جرم است. در واقع مسئولیت کیفری پلی است میان جرم و مجرم یعنی عملی که جرم تلقی می‌شود باید به نحوی به یک شخص منتسب شود؛ این شخص همان مجرم است (اردبیلی، ۱، ۱۳۸۰).

### - مسئولیت کیفری در مفهوم عام؛

مسئولیت کیفری در مفهوم عام خود دربرگیرنده تمام شرایطی است که برای اعمال مجازات لازم است لذا در مرحله اول باید وقوع جرم محرز شود و در مرحله بعد دخالت رفتار متهم در جرم ارتكابی معلوم گردد و در مرحله سوم، اهلیت جزایی (رشد و عقل) متهم در حین ارتکاب جرم ثابت شده و بالاخره محرز شود که در حال اختیار به ارتکاب جرم دست زده است. در منابع فقهی به مسئولیت کیفری در معنای عام آن نیز توجه شده است؛ هرچند فقهای اسلامی اصولاً مسئولیت کیفری را به‌عنوان موضوعی مستقل و به‌گونه‌ای که در حقوق مطرح می‌شود مورد بحث و بررسی قرار نداده‌اند بلکه با گذر از آن و برطبق شیوه‌ای که تاکنون در فقه معمول بوده است مباحث جزایی را در سه بخش حدود، قصاص و دیات مطرح کرده‌اند ولی منابع و آثار و تألیفات فقهی می‌تواند بیانگر این باشد که مسئولیت کیفری در شریعت اسلام بر سه پایه استوار است. اول اینکه فعل ممنوعی انجام شود؛ دوم، فاعل مختار باشد؛ سوم، فاعل مدرک باشد و وقتی این سه رکن محقق شود مسئولیت کیفری هم وجود خواهد داشت و هنگامی که یکی از آن‌ها معدوم باشد مسئولیت کیفری هم نخواهد بود (عوده، ۱۳۲، ۱۳۷۲).

ولی در این تعریف مسئولیت که مترادف با ضمان شمرده شده، به‌عنوان موضوعی مستقل و به‌گونه‌ای که در حقوق مطرح است مورد توجه قرار نگرفته است. به‌عبارتی این تعریف در مقام بیان تمام شرایط و ارکانی است که برای ضامن شمردن کسی لازم است چرا که مسئولیت در معنای یاد شده از نهادهای جزایی گوناگونی چون عناصر سه‌گانه مقوم جرم، ادراک و اختیار تشکیل شده است که هر کدام، عناصر و ساختار خاص خود را دارند که کاملاً از هم متفاوت‌اند لذا جمع کردن این نهادها تحت یک عنوان کلی به نام مسئولیت و آنگاه هر یک را به‌عنوان یک رکن از ارکان مسئولیت در نظر گرفتن، از مفهوم مورد نظر خارج است.

### - مسئولیت کیفری در مفهوم خاص؛

مسئولیت کیفری در معنای خاص، عبارت است از انتساب فعل یا ترک فعل مجرمانه به اراده معتبر و آزاد شخص یا اشخاص مرتکب است. به عبارتی فرد مرتکب جرم باید واجد شرایطی باشد تا بتوان مجازات را بر وی تحمیل کرد لذا مسئولیت کیفری برخلاف نظری که تحقق جرم را از شرایط مسئولیت کیفری می‌دانست به‌عنوان یک نهاد خاص، مستقل از جرم است. مسلم است که قدرت ادراک و تمییز، رکن ثابت مسئولیت کیفری را تشکیل می‌دهد اما در مورد اینکه آیا اختیار نیز از همین جایگاه برخوردار است اختلاف نظر وجود دارد (صادقی، ۳۲۰، ۱۳۹۳).

عده‌ای اختیار را در کنار ادراک و تمییز، رکن ثابت مسئولیت کیفری محسوب می‌کنند و معتقدند در صورتی که شخص غیرمختار مرتکب فعل مجرمانه گردد مجرم محسوب می‌شود ولی از آنجا که حین ارتکاب جرم فاقد اختیار بوده است مجازات بر وی تحمیل نمی‌شود لذا در اینجا اختیار به‌عنوان پلی بین جرم و مجازات عمل می‌کند (نورپها، ۱۳۲۲، ۱۳۸۷).

از آنجا که سلب اختیار موجبی برای جواز ارتکاب جرم از ناحیه شخص غیرمختار و در مواردی انتساب جرم به غیر او یعنی سبب عدوانی است صحبت از نقش آن در شرایط مسئولیت کیفری موضوعیت ندارد چراکه مسئولیت کیفری فرع بر ارتکاب جرم است بنابراین معاونت در اکراه، وقتی به اکراه‌کننده مساعدت می‌شود مصداق معاونت در جرمی است که به‌وسیله اکراه‌شونده انجام شده است زیرا جرم ارتكابی به اکراه‌کننده منسوب است لکن هرگاه کسی اکراه‌شونده را مساعدت کند با توجه به جواز ارتکاب در چنین شرایطی اقدام وی معاونت در جرم قلمداد نمی‌شود و به‌همین نحو است کمک به مضطر در انجام جرمی که برای رهایی از تنگنا مرتکب می‌شود. به‌عنوان مثال اگر شخص الف، به دلایلی مکره یا مضطر به انجام سرقت شود و برای این کار از شخص ب کمک بگیرد و او نیز با علم به اینکه شخص الف، مکره یا مضطر است انجام سرقت را برای او تسهیل کند معاونت در جرم تحقق پیدا نمی‌کند درحالی‌که اگر اختیار، شرط مسئولیت کیفری قلمداد شود رفتار مرتکب اصلی (شخص الف)، جرم و به تبع آن معاونت در جرم تحقق می‌یابد.

#### – مسئولیت کیفری نوجوانان در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

جرم‌شناسان در خصوص آثار سوء رسیدگی به جرایم نوجوانان و اطفال به‌صورت غیرتخصصی و همراه با مجرمان بزرگسال و سابقه‌دار، بسیار سخن گفته‌اند. در حقوق کیفری ایران نیز نخستین بار در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهار که صلاحیت رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بین ۶ تا ۱۸ سال را داشت تاسیس شد اما پس از انقلاب، قانون‌گذار، رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان را تابع قواعد عمومی و همراه مجرمان بزرگسال قرار داد و تمایلی به ایجاد محاکم اختصاصی از خود نشان نداد. البته این تصمیم دوام نیاورد و در نهایت به موجب ماده ۲۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۷۸، شعب تخصصی از محاکم عمومی برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان اختصاص یافت. قانون جدید مجازات اسلامی نیز به‌طور خاص، رسیدگی به جرایم کودکان و نوجوانان را مورد توجه قرار داده است؛ اتفاقی که مزایای زیادی برای آن شمرده شده است. با این حال با توجه به مراحل شکل‌گیری شخصیت نوجوان و جامعه‌پذیری تدریجی وی، متخصصان قائل به طبقه‌بندی و تفکیک دوران کودکی و نوجوانی از بدو تا ختم آن شده‌اند به‌نحوی که در هر دوره حقوق و مسئولیت‌هایی را برای وی لحاظ کرده‌اند.

قانون مجازات اسلامی جدید نیز در کنار پذیرش سن ۱۸ سالگی به‌عنوان سن کودک و نوجوان، یک تقسیم‌بندی دیگر نیز داشته به‌نحوی که دوره کودکی و نوجوانی را به چهار دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم کرده است... در قانون جدید ضمن اینکه سن کودک را تا ۱۸ سالگی معرفی کرده با ارائه تعریف سن بلوغ، مسئولیت کیفری را برای گروهی از اطفال و نوجوانان شناسایی کرده است (شامبیاتی، ۱۳۹۲، ۱۷۸).

با تحول در جرایم تعزیری و حدود و قصاص در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۹۲ با پذیرش مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان و درجه‌بندی جرایم تعزیری، شاهد تحولات زیادی هستیم؛ این تحولات در دو بخش جرایم تعزیری و حدود و قصاص قابل توجه است.

در مورد کودکان زیر ۹ سال مرتکب این جرایم، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ می‌شود. در خصوص کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال (دوره دوم و سوم) تصمیم‌هایی برای اصلاح و تربیت آنان با تأکید بر مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان قانونی گرفته

می‌شود که از جمله واگذاری کودک به والدین و سرپرستان قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت کودک و نوجوان یا در صورت صلاحیت نداشتن والدین، واگذاری کودک به افراد یا موسسات دیگر قابل ذکر است البته در این مورد مقررات مربوط به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی در مورد سلب حضانت از والدین نیز باید رعایت شود.

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در مورد نوجوانان در ماده ۸۹ تکلیف را روشن کرده و براساس آن در صورت ارتکاب جرایم تعزیری از سوی این گروه، مجازات نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، جزای نقدی و ارائه خدمات عمومی برای آنان در نظر گرفته شده است یعنی در قانون جدید ضمن طبقه‌بندی جرایم تعزیری به درجه‌های مختلف برای هر دوره سنی از کودکان، درجه‌هایی از این نوع مجازات اعمال می‌شود.

در مورد جرایم حدود و قصاص نیز به موجب تبصره ۲ ماده ۸۸، در مورد نوجوانان مذکر ۱۲ تا ۱۵ و قبل آن یعنی ۹ تا ۱۲ نیز همان تصمیم‌های مندرج در ماده ۸۸ اتخاذ می‌شود. قابل تجدیدنظر بودن این تصمیم‌ها از سوی دادگاه اطفال هر چند بار که مصلحت کودک و نوجوان اقتضا کند، قابل تبدیل بودن مجازات نگهداری در کانون و جزای نقدی به مواردی دیگر که به مصلحت کودک و نوجوان باشد، قابل تبدیل بودن مجازات حدود و قصاص به جرایم تعزیری در مورد کودکان و نوجوانان بالغ کمتر از ۱۸ سال در صورت شبهه در کمال عقل و رشد آنان از جمله موارد مهم و قابل توجه در قانون جدید است (همان، ۲۱۰).

در قانون جدید مجازات اسلامی، قانون‌گذار با الهام از آموزه‌های فقهی و یافته‌های جرم‌شناسی در کنار عوامل بلوغ، عقل و اختیار به‌عنوان مسئولیت کیفری در گروه سنی زیر ۱۸ سال، موضوع رشد و تمییز عقلی در حسن و قبح را نیز در نظر داشته و با بلوغ فرد، مسئولیت کیفری تام به وی تحمیل شده و به مسئولیت نقصان یافته و مسئولیت تدریجی این گروه سنی در جرائم تعزیری و اهلیت جزایی در جرائم مستوجب حد، دیه و قصاص توجه داشته و در واقع قانون جدید با موضع‌گیری کودک‌مدارانه، نوعی سیاست جنایی افتراقی را در تعیین مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان نسبت به بزرگسالان پیش‌بینی کرده است گرچه قانون جدید با تصویب مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان، بسیاری از مسائل مربوط به سیاست جنایی تقنینی حوزه اطفال و سن مسئولیت کیفری را رفع کرده است.

#### - پرونده شخصیت

پرونده شخصیت از دستاوردهای جرم‌شناسی بالینی است. یکی از مهم‌ترین وظایف جرم‌شناسی بالینی، تعیین طرق معالجه بزهکار بر مبنای ویژگی‌های جسمی و روانی و روحی او و درجه ابتلای او به ناهنجاریهای اجتماعی است و با این ترتیب از تکرار جرم نیز می‌توان جلوگیری به عمل آورد (از طریق اهتمام در مراقبت و نگهداری مجرمین). به عبارت دیگر، جرم‌شناسی بالینی با استفاده از سایر علوم مرتبط، توانایی و اصلاح‌پذیری فرد بزهکار را اندازه‌گیری کرده و یا در مورد افرادی که حالت خطرناک دارند، درجه انحراف و خطرناک بودنشان اندازه‌گیری می‌شود و تجویز لازم جهت درمان بیماری آنان به عمل می‌آید. در پرونده شخصیتی سعی در بررسی جرم نیست بلکه شناخت کلی مجرم مطرح است که می‌تواند قاضی را در اتخاذ یک مجازات متناسب برای اصلاح و درمان مجرم یاری دهد که گامی مهم در راستای اصل فردی‌کردن مجازات‌ها و رعایت انصاف و عدالت در دادرسی کیفری است و از آن به سیاست عدالت ترمیمی یاد می‌شود (Pinatel J, 1950)

#### - پرونده شخصیت در مرحله تحقیقات مقدماتی

تحقیقات مقدماتی به‌عنوان مرحله‌ای از رسیدگی‌های کیفری، اهمیت بسیاری در شکل‌گیری و تهیه پرونده کیفری و تضمین اصل برائت دارد. تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود. تشکیل پرونده



شخصیت در تحقیقات مقدماتی از این جهت حائز اهمیت است که قاضی تحقیق با ملاحظه مؤلفه‌های درونی، جسمی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب، پی به انگیزه‌ها و علل مؤثر در وقوع جرم می‌برد و متناسب با شخصیت مجرم، بهترین قرار را صادر می‌کند؛ قاضی در قالب اختیارات قضایی با ملاحظه پرونده مذکور می‌تواند مجازات را فردی کند. با عنایت به اهمیت تشکیل پرونده شخصیت در تحقیقات مقدماتی، تدوین‌کنندگان قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ به پیش‌بینی تشکیل این پرونده در تحقیقات مقدماتی پرداخته‌اند. ماده ۲۰۳ قانون مذکور مقرر می‌دارد: در جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و همچنین در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است، بازپرس مکلف است در حین انجام تحقیقات، دستور تشکیل پرونده شخصیت متهم را به واحد مددکاری اجتماعی صادر کند. این پرونده که به صورت مجزا از پرونده عمل مجرمانه تشکیل می‌شود حاوی مطالب زیر است:

الف- گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم

ب- گزارش پزشکی و روانپزشکی

ماده ۲۸۶ قانون آیین دادرسی کیفری نیز مقرر می‌دارد: علاوه بر موارد مذکور در ماده ۲۰۳ این قانون، در جرائم تعزیری درجه پنج و شش نیز تشکیل پرونده شخصیت در مورد اطفال و نوجوانان توسط دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان الزامی است.

#### - پرونده شخصیت در مرحله رسیدگی و صدور حکم

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اطفال زیر ۹ سال شمسی فاقد مسئولیت کیفری هستند. در بزهکاری اطفال ۹ تا ۱۵ سال شمسی نیز قانون‌گذار به قاضی اختیار تعیین مجازات نمی‌دهد. در مورد این اطفال بدون در نظر گرفتن جنسیت آنها، قاضی پس از تحقیق و بررسی در اوضاع و احوال و شخصیت آنان و تشکیل پرونده شخصیت، اقدام به صدور حکم بر مبنای مواد قانونی مربوط به آنها می‌کند. طبق قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هنگامی که نوجوانی مرتکب جرم تعزیری می‌شود و با صدور کیفرخواست، مجرمیت او محرز می‌گردد، در دادگاه اطفال و نوجوانان مورد رسیدگی و اصدار حکم قرار می‌گیرد. مطابق این قانون نوجوان ۱۵ ساله که هنوز شخصیتش کاملاً شکل نگرفته را همانند بزرگسالان مجازات نمی‌کنند. مقنن با توجه به اصل تفرید، اقدام به قانون‌گذاری نموده و قاضی کیفری را موظف به رسیدگی به بزه ارتكابی نوجوان با توجه به ویژگی‌های فردی و اجتماعی او و صدور حکم متناسب با پرونده شخصیت وی نموده است.

#### - پرونده شخصیت در مرحله اجرای حکم

با صدور حکم، مجازات قانونی برای اجراء در حق محکوم علیه مشخص می‌شود. اجرای مجازات از اصلی‌ترین مراحل نظام عدالت کیفری است. یکی از حقوق بزهکار، خصوصاً وقتی طفل یا نوجوان مورد مجازات قرار می‌گیرد، توجه به اوضاع و احوال جسمی، روحی، خانوادگی و اجتماعی او و آینده‌ای که اجرای مجازات برای او رقم می‌زند است. اجرای کیفر به شیوه اصولی و متناسب با شخصیت اطفال و نوجوانان می‌تواند به اصلاح و تربیت و بازپروری آنها بیانجامد و طفلی که روزی مخالفت با هنجارها را برگزیده، دوباره جامعه‌پذیر شده به آغوش جامعه بازگردد تا از یک ناهنجاری و فعل مجرمانه کوچک به پرتگاه جرایم شدیدتر و پدیده پایداری در بزهکاری راه نیابد. در قوانین کیفری ایران، در مرحله اجرای مجازات حبس و به‌منظور شناسایی زندانیان، جهت طبقه‌بندی آنان پرونده شخصیت ضروری دانسته شده است. طبق آیین‌نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، شناسایی شخصیت مجرمین و تفکیک و طبقه‌بندی آنان در زندان‌ها رکن اساسی اجرای روش‌های اصلاحی، تربیتی و درمانی است. بنابراین در مرحله اجرای کیفر، فردی کردن مجازات بیشتر در استفاده

از طبقه‌بندی محکومان، آزادی مشروط و عفو و بخشودگی، نمود پیدا می‌کند. در اجرای مجازات حبس برای نیل به هدف اجرای مجازات که همانا اصلاح فرد است موضوعی مهم‌تر از طبقه‌بندی صحیح نمی‌تواند نظام عدالت کیفری را به مقصود برساند. این امر مهم بر عهده شورای طبقه‌بندی است لذا بر طبق پرونده شخصیت و نظرشورای طبقه‌بندی، مکان نگهداری طفل یا نوجوان بزهکار در کانون اصلاح و تربیت مشخص می‌شود.

#### - پرونده شخصیت در مرحله پس از خروج از نظام عدالت کیفری

در راستای اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم، مطابق آیین‌نامه مراکز مراقبت بعد از خروج، اداره مراقبت بعد از خروج در مرکز هر استان موظف به حمایت‌های مادی و معنوی نسبت به مددجویان آزاد شده است. انجام اموری همچون ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ادامه تحصیل، ازدواج، تأمین مسکن، ارائه خدمات آموزشی، بهداشتی و درمانی، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی، تأسیس صندوق حمایت از مددجویان و فراهم کردن زمینه مساعد جهت بازگشت به یک زندگی سالم اجتماعی بر عهده ادارات مذکور گذارده شده است. مراقبت و حمایت پس از خروج به‌عنوان عامل اصلی و تعیین‌کننده در تکرار جرم و یا ترک بزهکاری از اهمیت خاصی برخوردار است. مهم‌ترین آثار اجرایی که تشکیل پرونده شخصیت در مرحله پساکیفری دارد آن است که باعث می‌شود مددجو به حال خود رها نشده و طبق آموزشی که در زندان بر اساس استعداد و توانایی‌های خود و منطبق با ویژگی‌های شخصیتی خود دیده است مشغول به کار شود. بنابراین پرونده شخصیت در این مرحله باعث ادامه فرآیند اصلاح مجرم و بازپذیری اجتماعی او می‌شود.

مجموعه تحقیقات و بررسی‌ها و آزمایش‌هایی که برای شناخت شخصیت بزهکاران و تشکیل پرونده شخصیت به کار می‌رود، افسرواسیون نامیده می‌شود. در نظام‌های حقوقی، افسرواسیون ممکن است قبل از دادرسی در (مرحله تحقیقات مقدماتی) ماده ۲۲۲ قانون آیین دادرسی کیفری به‌منظور شناسایی حالت خطرناک و متناسب نمودن کیفر با شخصیت بزهکار در جهت اتخاذ روش مناسب برای اصلاح و تربیت و یادمان بزهکار یا (ضمن محاکمه در دادگاه و یا بعد از صدور حکم محکومیت) انجام شود (ماده ۴۲ و ۶۴ آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی به‌منظور شناسایی شخصیت بزهکاران و طبقه‌بندی زندانیان).

معمولاً نکات مهمی که بایستی در پرونده شناسایی شخصیت آورده شود عبارتند از:

- ۱- ساختمان بدنی و جسمی و زیست‌شناسی متهم
- ۲- نتیجه معاینه وی از نظر روحی و روانی و انحرافات
- ۳- وضع اخلاقی و خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و چگونگی تعلیم و تربیت متهم؛ برای نیل به این نکات باید اقدامات زیر انجام گیرد:

الف) پر نمودن ورقه تحقیق و پژوهش که نخستین سند شناسایی شخصیت فرد مورد آزمون است به‌وسیله مددکاران اجتماعی  
ب) پزشکان متخصص، آزمون‌شونده را از نظر بررسی وضع سلامتی و ابتلاء به بیماری‌های گوناگون از جمله آمیزشی و همچنین اعتیاد والدین به مواد مخدر و الکل و تمایلات جنسی و غدد مترشحه داخلی که در رشد مؤثرند، مورد بررسی قرار می‌دهند.

ج) روان‌پزشک، متهم را از جهت ضایعات عضوی در اعصاب و مغز و ثبت امواج الکتریکی سلول‌های عصبی مغز، مورد آزمایش قرار می‌دهد.

د) آزمایش‌های روانشناسی و روانکاوای برای تجزیه و تحلیل طرز تفکر، روحیه، تعیین میزان هوش و استعداد آزمون‌شونده که توسط متخصصین به عمل می‌آید.

آزمایشات مختلف دیگر از جمله رادیوسکوپی، رادیوگرافی، میزان حجم هوای ریتین، فشار خون، ضربان قلب، تعیین گروه خون، نیروی عضلانی و ... از جمله آزمایشات در جرم شناسی بالینی است (Schemelck, 1975).

### - نتیجه‌گیری

جرم به مثابه یک پدیده فردی، اجتماعی و رفتاری سرزنش آمیز و زیان‌بار است که توسط انسان پدید می‌آید و معلول علل متعددی است. شناخت علل جرم بدون توجه به ماهیت فلسفی انسان، سرانجام موفقیت‌آمیزی که همان پیشگیری از وقوع جرایم است، در پی نخواهد داشت. انسان دارای دو گرایش متضاد بوده که یکی تمایل به ارتکاب جرم دارد و دیگری میل به انجام اعمال صالح داشته و عوامل روانی معیوب در به فعلیت رساندن استعداد منفی انسان و ارتکاب جرم نقش به‌سزایی را ایفاء می‌کند. آمار جنایی نشان می‌دهد اتخاذ تدابیر پیشگیرانه در برابر جرایم انسانی، بدون توجه به ابعاد پیچیده بشر جز هزینه گزاف برای جامعه چیز دیگری به ارمغان نمی‌آورد. دین اسلام قبل از آن‌که ریشه بزهکاری و جرایم را در عوامل بیرونی نظیر اجتماع و اقتصاد بداند، بر تأثیر و نقش عوامل و ریشه‌های درونی و فردی تأکید دارد زیرا در امور مختلف زندگانی بشر اعم از اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی، توصیه به اخلاق‌مداری و تقویت کنترل‌های درونی، تهذیب و تزکیه نفس و تعدیل رذایل اخلاقی و پرورش فضایل و مکارم اخلاقی کرده است و مولد فکر و اندیشه مجرمانه و سر سطر نقطه انحراف آدمی را هواپرستی و عدم تسلط بر نفس می‌داند. بر این اساس، ضرورت بازنگری در قوانین جزایی، بازنویسی مقررات مربوط به اقدامات تأمینی و تربیتی و فردی کردن هرچه بیشتر این اقدامات با استفاده از آخرین نظرات و تجربیات دانشمندان مربوطه و با الهام از روش‌هایی که قرآن و سنت ارائه می‌کند تردیدی باقی نمی‌گذارد.

باید این واقعیت را پذیرفت که هر جرمی دارای عواملی است که بر شخصیت افراد تأثیر نامطلوب می‌گذارد و او را مجبور به ارتکاب جرم می‌کند لذا وظیفه نظام عدالت کیفری، تنها کیفر نمودن مرتکب عمل ضد اجتماعی نیست بلکه شناسایی شخصیت آن‌هاست که نظام عدالت‌مدار را به امر اصلاح بزهکاران معطوف و آن‌ها را از تکرار در بزهکاری، به‌ویژه در بزهکاران پیش‌رس مصون می‌دارد. روحیه حساس و آسیب‌پذیر اطفال و نوجوانان ایجاب می‌نماید تا برخورد با آن‌ها کاملاً فردی و به فراخور شخصیت آن‌ها صورت گیرد. قانون‌گذار ایران لزوم توجه به شخصیت بزهکاران را خصوصاً در مورد افراد زیر ۱۸ سال، با وضع راهکارهای واکنشی که در بسیاری از موارد دور از تنبیه و سزادهی هستند به روشنی مشخص کرده است. پرونده شخصیت ضمن تبیین اصل تناسب جرم و کیفر مناسب، اجرای عدالت را میسر نموده و اهداف مجازات‌ها را که همانا بازسازی و اصلاح بزهکاران است بهتر تأمین می‌کند. پرونده شخصیت را می‌توان به‌عنوان ابزار اصلی فردی‌سازی کیفر در نظام عدالت اطفال و نوجوانان در راستای تحقق اهداف پیشگیرانه بزهکاری، ضروری و غیرقابل اجتناب دانست که می‌تواند متضمن نتایج سودمندی در یک نظام عدالت ترمیمی و احیاء‌گر باشد.

- منابع

۱. اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۰)، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، میزان، تهران.
۲. اصغری، عبدالرضا، سن مسئولیت کیفری در حقوق اسلام، مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۳۷، ص ۲ و ۳، ۱۳۸۷.
۳. باقری‌نژاد، عباس، (۱۳۸۶)، سن مسئولیت کیفری در کشورهای اروپایی و ایران، مجله تعالی حقوق، شماره ۲، ص ۱۸.
۴. شامبیاتی، هوشنگ، (۱۳۹۲)، حقوق جزای عمومی براساس قانون جدید، جلد دوم، انتشارات مجد، تهران.
۵. صادقی، محمدهادی، (۱۳۹۳)، اجتماع سبب و مباشر در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره دوم.
۶. عوده، عبدالقادر، (۱۳۷۲)، التشریح الجنایی الاسلامیه، حقوق جزای اسلامی، ترجمه: قربان، ناصر.
۷. نوربها، رضا، (۱۳۸۷)، زمینه حقوق جزای عمومی، نشر گنج دانش، تهران.
۸. نجفی توانا، علی، (۱۳۸۲)، نابهنجاری و بزهکاری اطفال و نوجوانان، انتشارات راه و تربیت وابسته به مرکز آموزشی و پژوهشی سازمان زندان‌ها، چاپ اول

9. -Schemelck R, Pica G. Penologie et droit penitentiaire. Paris; 1975, 235.

10. -Pinatel J. Tratie elementaire de science penitentiaire et de defese sociale. Paris: 1950, 395